

الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چیستی، چرایی، چگونگی

رسول رضوی

دانشیار گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، تهران

razavi.r@chmail.ir

محمد پارچه‌باف دولتی

عضو گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، تهران

muhammaddowlati@gmail.com

ایمان روشن‌بین

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، ایران، تهران

Iman_roshanbin@yahoo.com

چکیده

امروزه بحث تاریخ فکر به یکی از دغدغه‌های محققان تبدیل شده و رویکرد غالب نگرش فلسفی در فضای دانشگاهی درباره باور امامت‌شناختی، تاریخی است و کمتر منازعات کلامی را برمی‌تابند. به عبارت دیگر دنیای مدرن، بیشتر تمایل دارد ماهیت تشیع را با رویکرد تاریخی بشناسد. ازاین‌رو برای اثبات اصالت تاریخی یک باور امامتی، نخستین ادوار تاریخی شیعه از مهم‌ترین بخش‌های شناخت و تحلیل این مکتب به شمار می‌آید. در طول تاریخ، قدرت حاکم و گفتمان غالب، متعلق به پیروان مکتب خلفا بوده و لذا شواهد پرشماری وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی مورخان سنی مذهب بوده است. ازاین‌رو در نقل گزارش‌های تاریخی بین عامه و خاصه و گاه بین خود عامه با اختلاف در محتوا روبه‌رویم. نکته مهم آن است که این اختلاف‌ها در محتوا، مستندی برای باورهای غلط می‌شود و یا باورهای *

غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

بنابراین باید روش و الگویی ارائه داد تا با گردآوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب و حیانی و با تکیه بر باورهای کلامی شیعه و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمان غالب، به تاریخ قطعی دست یابیم؛ تاریخی که اصالت تاریخی باور امامیه را از میان نخستین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد. به چنین پژوهشی «تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» گفته می‌شود که بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است و بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه‌اش حاوی استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه و تحلیلش مبین باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی، به‌خودی‌خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود. این مقاله به دنبال پاسخ به چستی، چرایی و چگونگی «الگوی تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» است.

کلیدواژگان: الگوی تاریخ پژوهی، قرآن، سنت، اصول کلامی امامیه، عقل، رمزگشایی منابع عامه.

مقدمه

تاریخ صدر اسلام از لحاظ کلامی اهمیت بسزایی دارد. این اهمیت در سه محور: الف) باورسازی تاریخ به صورت مستقل، ب) استشهاد تاریخ بر باورهای برخاسته از آیات و روایات و ج) پاسخ‌گویی تاریخ به شبهات اعتقادی، بیشتر خودنمایی می‌کند. ازاین‌رو «الگوی تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» اهمیت شایانی دارد. برای ارائه این الگو، در مقاله پیش‌رو سه پرسش زیر در سه عنوان کلی پاسخ داده می‌شود:

۱. تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه چیست؟
 ۲. چرا به تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه نیاز است؟
 ۳. شیوه تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه چگونه است؟
- چهارچوب نظری این مقاله گرداگرد پاسخ به این سه پرسش طراحی شده که عملاً سه فرضیه

را مطرح می‌سازد:

فرضیه اول: تاریخ مبتنی بر این الگو بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است که بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه آن، استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه را در پی دارد و تحلیلش مبین باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی به خودی خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود؛

فرضیه دوم: شواهد پرشماری وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی مورخان سنی مذهب بوده است. تأثیر و تأثرات و اختلاف در نقل گزارش‌های تاریخی، مستندی برای باورهای غلط می‌شود و یا باورهای غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود؛

فرضیه سوم: با گردآوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب و حیانی می‌توان به بخشی از تاریخ شیعی دست یافت. باورهای کلامی شیعه یکی از ملاک‌های تشخیص تاریخ سره از ناسره است و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمان غالب، ما را کمک می‌کند تا به بخش دیگری از تاریخ قطعی دست یابیم که اصالت تاریخی باور امامیه را از نخستین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد.

۱. تبیین چستی الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

تاریخ و عقاید با یکدیگر تلاقی دارند. تحلیل یک حادثه تاریخی، هم از پیش فرض‌های عقیدتی (اعم از درست یا نادرست) تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند اثر تضعیفی یا تثبیتی روی عقاید بگذارد. تاریخ صحیح می‌تواند شهادتی بر عقاید صحیح باشد و از سوی دیگر، تاریخ صحیح به خودی خود می‌تواند باورساز باشد. تاریخ مبتنی بر آیات و روایات به عنوان منبع اصیل و حیانی، بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است که بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه آن، استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه را در پی دارد و تحلیلش مبین باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی به خودی خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود.

۱-۱. نقص‌های موجود در تاریخ‌پژوهی متداول

بر اساس نظریه «تحلیل گفتمان»^۱ شرایط اجتماعی، فرهنگ، باورها، موقعیت و... بر نگارش تاریخ تأثیر می‌گذارند. به دیگر سخن فرهنگ و باورها به هیچ وجه امری خنثا و بی‌طرف نیستند؛ زیرا قرار است منافع گروهی را به ضرر گروهی دیگر تأمین کنند (بهرامپور، ۱۳۷۹، مقدمه).

البته این حالت، طبیعت هر نقلی است که از رهگذر گذشته به آینده منتقل می‌شود. به عبارت دیگر حتی در فرض مراعات صدق نیز چنین خاصیتی یافت می‌گردد. از این رو می‌توان گفت نقل تاریخ از پالایه ذهن مورخان گذشته و بسیاری از گزارش‌های تاریخی با دیدگاه‌های مورخ درآمیخته است.

از آنجاکه مورخان عمدتاً از معتقدان به باور عامه هستند، عمده نگاره‌های تاریخی متأثر از باورهای کلامی عامه است. نکته مهم آن است که این تأثیرگذاری در نهایت سبب می‌شود تا تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آن مستندی برای باورهای غلط شود و یا باورهای غلط را ایجاد کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

می‌دانیم که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منبع تاریخی متداول سیره ابن‌اسحاق است. اصل این کتاب به صورتی که خود ابن‌اسحاق تدوین کرده، امروزه در دسترس نیست، اما چند روایت کامل و ناقص از آن موجود است که برخی در تاریخ الامم و الملوک طبری و مفصل‌تر از همه در السیره النبویه ابن‌هشام آمده است (دایرةالمعارف اسلامی، مدخل «ابن‌اسحاق»). بررسی دقیق اختلاف محتواهایی که از نقل ابن‌اسحاق در سیره ابن‌هشام و دیگر کتب عامه آمده، عملاً اثبات‌کننده مدعای اختلاف در منقولات نگاره‌های متداول تاریخی است.

به عنوان مطالعه موردی، اثرگذاری باورهای کلامی ابن‌هشام بر تاریخ منقول او از ابن‌اسحاق، به طور جداگانه و در بیش از هفتاد مورد بررسی شده است (روشن‌بین، ۱۳۹۲، ص ۵۲) که برای پرهیز از اطاله کلام، فقط یازده مورد آن در این مقاله ذکر می‌شود و در ادامه، اهمیت و اثرگذاری آن در باورهای ذهنی توضیح داده می‌شود.

گزارش‌های ابن‌هشام از ابن‌اسحاق با نقل دیگر مورخان عامه از ابن‌اسحاق اختلاف دارد. نکته مهم آن است که این اختلاف‌ها، تفاوت جزئی و قابل اغماضی نیست. یازده مورد از هفتاد مورد، به شرح زیر است:

۱. عدم ذکر ایمان ابوطالب (خطیب بغدادی، بی تا، ص ۵۱)؛
 ۲. نسبت دادن اشتباه به پیامبر ﷺ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۳)؛
 ۳. عدم ذکر انتصاب به خلافت در انذار عشیره اقرین (طبری، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲)؛
 ۴. حذف و تحریف ماجرای غدیر (امینی، ۱۴۱۶، ج ۲)؛
 ۵. حذف اولین نمازگزار (بلاذری، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۹۰)؛
 ۶. حذف نقش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بدر (همان، ص ۱۹۶)؛
 ۷. حذف نقش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در احد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۲۵۰)؛
 ۸. حذف نام عثمان در طعن پیامبر ﷺ به او (سهیلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۳۵)؛
 ۹. تحریف نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین (ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۲۲)؛
 ۱۰. حذف توطئه عقبه (ابن قتیبه، ۱۹۶۰ م، ص ۳۴۳)؛
 ۱۱. تحریف روایت سدالابواب از حضرت امیر به ابوبکر (قندوزی، ۱۳۰۱: ج ۱، ص ۲۵۹).
- با توجه به اهمیت تاریخ صدر اسلام و اختلاف در نقل محتوای تاریخی، به نظر می‌رسد مشکل مهمی پدید می‌آید که باید راهی برای برون‌رفت از آن یافت.

۱-۲. ارکان و مؤلفه‌های تاریخ‌پژوهی شیعی

مؤلفه‌های تاریخ‌پژوهی شیعی چهار رکن است که جهت عدم تطویل کلام در این بخش صرفاً نام آن معرفی و از توضیح هر یک خودداری شده و در ادامه هر یک به تفصیل بررسی می‌شود. رکن اول: قرآن کریم، رکن دوم: روایات شیعی، رکن سوم: اصول کلامی امامیه و رکن چهارم: منابع تاریخی شیعه و عامه است.

۲. چرایی نیازمندی به الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

از آنجاکه تاریخ صدر اسلام از لحاظ کلامی اهمیت بسزایی دارد، تاریخ‌پژوهی شیعی نیز دارای کارکرد و آثار فراوانی است که همین مسئله، اهمیت بررسی الگوی آن را صدچندان می‌کند. کارکرد تاریخ‌پژوهی شیعی را می‌توان در سه محور: ۱. باورسازی تاریخ به صورت مستقل، ۲. استشهاد تاریخ بر باورهای برخاسته از آیات و روایات، ۳. پاسخ‌گویی تاریخ به شبهات اعتقادی بررسی کرد. به عنوان مطالعه موردی و تبیین آثار تاریخ‌پژوهی بر این سه محور، همان یازده اختلاف در سیره ابن هشام به کار گرفته می‌شود:

۱-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در باورسازی

مدعا آن است که بررسی و تفحص در تاریخ نگارش یافته بر اساس «الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» می‌تواند باورساز باشد. عملاً این چنین تاریخی خود را وارد منظومه منابع علم کلام می‌کند و گزاره‌های آن سبب باورسازی به صورت مستقل می‌شود. هر یک از یازده مورد پیش گفته می‌تواند در کنار دیگر شواهد و مستندات تاریخی به صورت مستقل باورساز باشد:

- باور اول: موحد بودن اجداد پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ

اگر ایمان ابوطالب در منقولات به درستی گزارش شود، باور مؤمن و موحد بودن اجداد را رقم می‌زند و در عوض عدم نقل آن باور مشرک بودن اجداد را تقویت می‌کند.

- باور دوم: نصوص امامت

۱. نقل جریان انتصاب امیرالمؤمنین ﷺ در انذار عشیره اقریبین جزو یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخی و مبین باور وجود نصوص امامت و خلافت است؛ چراکه عملاً شروع دعوت علنی همراه با معرفی علنی خلیفه و جانشین پس از خود بود؛
۲. وجود جریان غدیر بیش از هر نقلی روشن است که چگونه بر امامت امیرالمؤمنین ﷺ دلالت دارد و حذف آن چگونه ضربه‌ای خواهد داشت.

- باور سوم: افضلیت امیرالمؤمنین ﷺ

۱. ذکر امیرالمؤمنین ﷺ به عنوان نخستین ایمان‌آورنده به پیامبر اکرم ﷺ، بیان فضیلتی بی‌بدیل است که در طول تاریخ بارها حضرتش بر آن احتجاج کرده‌اند؛
۲. بیان نقش امیرالمؤمنین ﷺ در بدر یکی از شواهد دلاوری و جنگ‌آوری‌های علی بن ابی‌طالب ﷺ است؛
۳. نقش امیرالمؤمنین ﷺ در اُحد و حمایت‌های بی‌بدیلشان از پیامبر ﷺ، آن هم در زمانی که یکایک اصحاب ایشان را تنها گذاشتند و گریختند، بیانگر افضلیت ایشان است؛
۴. جریان سدالابواب الا باب علی ﷺ از جمله جریانات باورسازی است که به‌خوبی باور افضلیت امیرالمؤمنین ﷺ را پدید می‌آورد.

- باور چهارم: مطاعن خلفا

۱. در جریان ساخت مسجدالنبی عملاً رسول خدا ﷺ برای خلیفه سوم مطاعنی نقل می‌کنند که نقل آن در تاریخ، موجب ایجاد باور مفضولیت او می‌شود؛
۲. بیان نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین و اتکای او بر کثرت سپاهیان و عدم توکلش به خداوند، بیان‌کننده طعنی بر اوست؛
۳. توطئه عقبه، یکی از بارزترین و مهم‌ترین جریانات تاریخی است که گزارش آن در باور مطاعن خلفا بی‌بدیل است.

۲-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در استشهاد برای باورها

امروزه اصالت تاریخی یک باور امامتی در گرو این دانسته می‌شود که به لحاظ تاریخی بتوان نشان داد که آن آموزه از تعالیم مستقیم پیامبر و امامان: بوده و از همان ابتدا میان مسلمانان (شیعیان) شناخته شده و بلکه رایج بوده است. در تاریخ قطعی، می‌توان شواهدی را برای بسیاری از معتقدات امامیه نشان داد و به آنها استشهاد کرد و به این وسیله اصالت تاریخی یک باور امامتی را به اثبات رساند؛ اما باید توجه کرد که تاریخی سراسر شاهد است که قطعی باشد و با انگیزه‌های مختلف در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحریف قرار نگرفته باشد. بر اساس مطالعه موردی و همان ۱۱ نکته اشاره شده، می‌توان اثرگذاری آنها را در شواهد زیر را بیان کرد:

شاهد اول: امامیه بر این باورند که اجداد طاهرين رسول خدا و امیرالمؤمنین (علیه السلام) همه مؤمن و موحد بودند و نقل صحیح این داستان و اشعار (مورد اول از ۱۱ مورد)، شاهدی بر این باور است که با حذف شدن آن از تاریخ، عملاً شواهد این باور از بین رفته است؛

شواهد دوم و سوم: بسیاری از نقل‌های تاریخی عملاً شاهدی بر نصوص امامت هستند؛ مانند جریان انتصاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) در انذار عشیره اقریین و بحث غدیر که حذف هر دو مورد عملاً حذف این شواهد است.

شواهد چهارم، پنجم، ششم و هفتم: حذف افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان جانشین رسول خدا ﷺ در جریان نخستین ایمان‌آورنده به رسول خدا ﷺ، نقش ایشان در بدر و احد به عنوان مدافع اسلام و رسول و تحریف جریان سدالابواب از شواهد این مورد است.

شواهد هشتم، نهم و دهم: مفضولیت و مطاعن خلفا یکی دیگر از باورهای امامیه است. ذکر نام عثمان در جریان طعن پیامبر ﷺ در ساخت مسجدالنبی، بیان نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین و اتکایش به کثرت سپاه به جای خداوند و نیز توطئه عقبه، از جمله شواهد مبنی بر مفضولیت آنان است که همگی حذف شده‌اند.

۳-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی

بسیاری از شبهات امروزی از مدخل مباحث تاریخی وارد می‌شوند و با بیان تاریخی ناصحیح، عملاً باور اعتقادی هدف گرفته می‌شود. به دیگر سخن، بسیاری از شبهات، اولاً به رویارویی با هیچ باور دینی‌ای نمی‌پردازند و از آنها صرفاً در جهات اخلاقی و رفتاری بهره‌جسته می‌شود؛ ولی نکته‌سنجی و ریزبینی در آنها نشان می‌دهد که در عمل، پایه و ریشه‌ای از عقاید دینی را نشانه رفته‌اند. از این‌رو شناسایی تاریخ‌قطعی و صحیح، به یک متکلم کمک می‌کند تا بدون درگیر شدن در فرایند پاسخ‌گویی به شبهه، اصل جریان تاریخی نقل‌شده از سوی مستشکل را انکار کند و در دام او گرفتار نیاید.

بر اساس همان ۱۱ مورد اشاره‌شده، ممکن است شبهات زیر به عقاید وارد شود:

شبهه اول: نسبت دادن خطا و اشتباه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ناقض باور عصمت ایشان است و نقل آن به عنوان شاهد، پدیدآورنده شبهه عصمت است؛

شبهه دوم: شبهه‌ای که عامه و روشن‌فکران بسیار بر آن تأکید می‌کنند، نبودن نصوص امامت در تاریخ رسول خدا صلی الله علیه و آله است. حذف معرفی امیرالمؤمنین در انذار عشیره اقربین و نقل اشتباه غدیر، مستمسک بسیار خوبی برای منکران امامت خواهد بود؛

شبهه سوم: پایین آوردن شأن منحصر به فرد حضرت امیر علیه السلام کمک‌شایانی به شبهه تنزل مقام امامت به مقام علمای ابرار می‌کند. برای این کار حذف فضایل ایشان و نسبت دادن آنها به دیگر صحابه، به‌ویژه خلفای دیگر از روش‌های تاریخی برای اثبات مدعاست. ذکر نکردن نام حضرت امیر علیه السلام به عنوان نخستین ایمان‌آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله، حذف نقش ایشان در بدر و احد و تحریف جریان سدالابواب، نمونه‌هایی از این روش تاریخی ایجاد شبهه است.

شبهه چهارم: هم‌رتبه بودن مقام خلفا با حضرت امیر علیه السلام و حتی در برخی موارد افضلیت آنان، از شبهاتی است که با پاک‌سازی تاریخ از مطاعن خلفا و فضیلت‌تراشی برای آنان، باورپذیر شده است. بنابراین حذف نام عثمان از جریان طعن، تحریف نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین، حذف توطئه عقبه، و جعل سدالابواب برای ابوبکر، نمونه‌هایی از تاریخ‌سازی است.

اهمیت تاریخ صدر اسلام و کارکردها و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی چرایی نیازمندی به «الگوی تاریخ‌پژوهی، مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» را روشن می‌سازد.

۳. چگونگی الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

ارکان و مؤلفه‌های مؤثر در الگوی تاریخ‌پژوهی امامیه، نخست قرآن کریم، دوم روایات شیعی، سوم

سیره و منابع تاریخی شیعی و عامه و چهارم اصول کلامی امامیه است. در سیر محتوایی این مقاله، ابتدا هر رکن معرفی، و سپس شیوه بهره‌گیری از آن توضیح داده می‌شود.

۱-۳. قرآن کریم

قرآن نقل معتبر، متقن و درخور اعتمادی است که می‌توان به وسیله آن صحیح را از سقیم تمیز داد. حجیت قرآن در هیچ زمینه‌ای خدشه‌پذیر نیست و از موارد مسلم و ضروری بین تمام فرق اسلامی، حجیت قرآن است. حتی به تعبیر بعضی بزرگان تواتر قرآن امری قطعی است و نزد مسلمانان هیچ شک و شبهه‌ای در او راه ندارد (خویی، ۱۴۳۰، ص ۱۵۲). از این رو قرآن معتبرترین منبع اسلامی به شمار می‌آید.

پس از روشن شدن تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان بر نگارش تاریخ که نتیجه آن عدم اعتبار منابع مرسوم بدون بررسی علمی است، مدعا آن است که برای فهم صحیح تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن کریم منبع قابل اتکا و اعتماد معرفی می‌شود. نکته دیگر آنکه آنچه از نقلیات در دست است، اگر با قرآن مطابقت داشته باشد و با روح بیانات و حقایق موجود در کتاب عزیز مباین و منافی باشد، پذیرفتنی است؛ وگرنه از همان روشی پیروی می‌کنیم که در روایات آمده است: «کُلُّ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَالسَّنةَ فَهُوَ يَرِدُ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَالسَّنةِ» (عاملی، ۱۴۲۵، ج ۲۲، ص ۷۰).

۱-۱-۳. بحث حجیت ظواهر قرآن و نظریه مختار در الگوی

نسبت به حجیت ظواهر دو نظر کلی وجود دارد: برخی ظواهر قرآن را حجت می‌داند و برخی دیگر در حجیت ظواهر خدشه وارد می‌کنند. نظریه مختار در الگوی تاریخ‌پژوهی، «حجیت ظواهر قرآن» است. اساس الگوی قرآنی تاریخ‌پژوهی، اخذ ظواهر قرآن و به‌کارگیری ظهورات مختلف کتاب آسمانی است. از آنجاکه هدف مقاله تبیین الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی شیعی است، از نظریه حجیت ظواهر صرفاً استفاده می‌شود و اثبات این مطلب و رد ادله منکران، خارج از بحث است (در این باره، رجوع شود به واپسین آرای اصولی، به‌ویژه خویی، بی‌تا).

اما مراد از حجیت ظواهر در مقاله و الگوی پیش رو، مطلب زیر است:

بیشتر آیات قرآن بدون تفحص از کلام مبین، فهمیده می‌شوند، ولی این فهم لزوماً حجیت ندارد. قرآن همراه ثقل دیگر خود یعنی عترت، دارای حجیت است. خود قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان «مبیین قرآن» معرفی فرموده است و عترت نیز توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در این شأن معرفی شده‌اند. قرآن متشکل از نصوص، ظواهر، مجملات و مبهمات است:

الف) نصوص: نصوص حجیت ذاتی دارند؛

ب) ظواهر: این مطالب، پیش از تفحص از قرینه صارفه از کلام مبین معصوم، اقتضای حجیت ندارند و کلام مبین به عنوان قرینه منفصله عمل می‌کند؛ چنان‌که آیات دیگر نیز باید به عنوان قرینه متصله یا منفصله در نظر گرفته شوند. البته باید توجه شود که نصوص و ظواهری در قرآن هستند که حجیتشان ذاتی است (فطری یا عقلی یا اخلاقی) که به طور کلی از بحث خارج‌اند.^۱

ج) مجملات: پیش از تفحص از قرینه معینه، اقتضای حجیت ندارند؛

د) مبهمات: بدون کلام مبین، اقتضای حجیت ندارند.

با مراجعه به عترت متوجه می‌شویم که «تعویل بر منفصل» در کلام الهی صورت گرفته، ولی «دیدن تعویل بر منفصل» وجود ندارد. لذا حجیت ظواهر «بعد الفحص والیأس» برقرار است و سیره اصحاب هم بر همین حجیت است و ردعی از سوی شارع نرسیده است (غروی اصفهانی، ۱۹۷۴، ص ۱۳۰؛ میانجی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶ و ۱۶۷).

۲-۱-۳. دلالت قرآن بر حقایق خارجی

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر گزارش‌های تاریخی و کتاب‌های سیره به دلایل گفته‌شده فاقد اعتبارند، قرآن نیز ظنی‌الدلالة است. در پاسخ باید گفت:

اولاً: نخستین حقیقتی که با رجوع به سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) در باره قرآن فهمیده می‌شود، این است که ایشان در موارد فراوانی به معنای لغوی قرآن استناد کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۶) و قرآن را به معنایی که در زبان عربی «کلام» نامیده می‌شود، «کلام» انگاشته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۰۰). مراد از «کلام» الفاظی است که برای رساندن مقصودی به مخاطب القا می‌شود. آنچه در زبان عربی کلام نامیده می‌شود، «ما یُتکلم به لفهام المقاصد» است. این همان حقیقتی است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ألفاظ قوالب المعانی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۲۸).

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خلفای پس از ایشان در گفتار و عمل، قرآن کریم را از جهت حاکمی و کاشف بودن از مراد و مقصود الهی، «کلام» نامیده‌اند و آن را مانند کلام بشر، فانی در مرادات متکلم دانسته‌اند. به عبارت دیگر کلام الله نیز چون کلام بشر در استعمال لفظ، توجه استقلالی به خود

۱. روایات نمی‌توانند ظاهر این آیات را رد کنند؛ چراکه محتوای آنها عقلی است و عقل حجت خدای سبحان بوده، نباید بین دو حجت خدا (عقل و نقل) اختلاف باشد.

لفظ ندارد و صرفاً به معنای آن، یعنی همان حقیقت خارجی توجه دارد (غروی اصفهانی، ۱۹۷۴، ص ۹). این مطلب کاملاً وجدانی است؛ چراکه هیچ‌یک از ما وقتی سخن می‌گوییم به الفاظی که به کار می‌بریم، توجهی مستقل از معانی نداریم؛
ثانیاً فارغ از اینکه اهل بیت (علیهم‌السلام) به معانی لغوی‌ای که عملاً بر موضوع خارجیه دلالت می‌کند رسمیت می‌دهند، ذیل شمار فراوانی از آیات بیاناتی دارند که عملاً آیه را تفسیر می‌کند و دلالت آن را شرح و بسط می‌دهد. بنابراین رجوع به مبین قرآن در بسیاری از موارد ما را به دلالت‌های آن رهنمون می‌کند؛

ثالثاً از سوی دیگر ما هیچ‌گاه رجوع به گزارش‌های تاریخی در عرض - و نه در طول - را همراه با بررسی و تحلیل نفی نمی‌کنیم؛ چرا که این کار برای کمک در کشف معانی و مفاهیم تاریخی برخی موارد قرآن کارا خواهد بود.

۳-۱-۳. شیوه بررسی الفاظ و عبارات قرآن

برای این کار باید مراحل زیر انجام شود:

۱. باید سراغ تک‌تک کلمات رفت و هر یک از الفاظ آیه را با دقت و موشکافی بررسی کرد تا معنای حقیقی آن از عرف اهل لغت کشف شود. توجه به کلمات مشترک، تشخیص الفاظ مترادف، تعیین کلماتی که ظاهراً هم‌معنا هستند، ولی با ظرافتی با یکدیگر تفاوت دارند، بسیار ضروری است؛
۲. بررسی کل جمله به همراه قیود^۱ موجود در آن مهم است. آنچه از قیود و ترکیبات در آیات قرآنی مشاهده می‌شود، طبق قاعده احترازیت، بر خصوصیتی دلالت می‌کند که اگر آن قید نمی‌بودند، این ویژگی فهمیده نمی‌شد؛
۳. پس از بررسی دو مرحله قبل، آنچه از آیات برای ما حاصل می‌شود، ظواهری است که همان‌طور که در بخش دوم توضیح داده شد، حجت و قابل استناد است و تفسیر به رأی نیست.

۳-۱-۴. بررسی اقوال، تفاسیر و شأن نزول

مشکل بزرگ علما، اعم از شیعه و سنی، فارغ از اختلاف نظرهایی که در بحث تفسیری وجود دارد،

۱. قید به معنای هر چیزی است که مانع اطلاق حکم شود. شروط و صفات و... همگی قید هستند.

آن است که هر کدام آیات قرآن را متناسب با عقاید خود تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، چه شیعه و چه سنی، مطالب قرآنی و روایی را در فضای تحلیل گفتمانی خود فهم و برداشت می‌کنند که البته گریزی از این امر نیست. آنان تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و باورهای از قبل پذیرفته‌شده، می‌کوشند به باورهای کلامی دست یابند و سپس برای تقویت باورهای کلامی‌شان از تاریخ نیز کمک بگیرند. بنابراین اگر پژوهشگر تاریخ نیز به تفسیر و برداشت‌های تفسیری رجوع کند، دچار همان مشکلی می‌شود که در صدد حل کردنش بودیم. بنابراین با عنایت به برداشت‌های تفسیری متفاوت، مسئله پژوهش همچنان حل‌نشده باقی می‌ماند.

بنابراین ارجاع به قرآن به معنای ارجاع به برداشت‌های تفسیری مفسران با هر نوع سلیقه تفسیری‌ای نیست، بلکه مراد رجوع به روایات تفسیری معصومین (علیهم‌السلام) ذیل آیات است.

در احادیث متعددی آمده است که فهم قرآن به عنوان کتابی حاوی علم و اخبار، نیازمند رجوع به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت معصومش: است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۰). حدیث ثقلین که موردپذیرش فریقین است، راه نجات از گمراهی را تمسک به قرآن و عترت معرفی می‌کند و این دورا از هم جدانپذیر می‌داند و اعتماد به اهل بیت: را راه مطمئن رسیدن به حقایق قرآن اعلام می‌کند (مفید، ۱۴۰۳، ص ۳۴۹) در احادیث بسیاری تصریح شده که هرکس چنین نکند و هدایت را از جای دیگری بخواهد، گمراه خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۰-۹۵).

فارغ از بحث مبنایی بیان‌شده، بر مبنای شیوه‌های متداول، در برخورد آیات با اقوال و شأن نزول، باید توجه داشت که آیه با اقوال نقل‌شده باید تناسب داشته باشد و نسبت به جامعه آن روز نباید امری نامعقول و یا غیرمتعارف باشد. از جملات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج البلاغه استنباط می‌شود که یک مورخ و تحلیلگر تاریخ، باید خود را در زمانه مورد بررسی فرض کند و آنگاه نسبت به آنچه نقل‌شده، داوری کند (نامه ۳۱). با چنین کاری به‌راحتی می‌تواند تشخیص دهد که گزارش‌ها و مواردی که با اوضاع و احوال آن زمان سازگاری ندارند و با وقایع خارجی ناهمگون هستند و اصطلاحاً مضطرب به نظر می‌آیند، از تأثیرگذاری باور نگارنده حکایت دارند.

اگر به مواردی که مفسران بزرگ اهل تسنن ذیل آیات ذکر کرده‌اند و مورخان آنها بدانها پرداخته‌اند مراجعه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از موارد با احتمالات عقلایی و متعارف سازگار نیستند و ناهمگون‌اند.

باید توجه داشت که در استناد به آیات قرآن در پذیرش یا رد اخبار و حوادث تاریخی از شیوه‌های مختلف بهره گرفته می‌شود: ۱. استناد به نص آیات، ۲. استناد به ظاهر آیات، ۳. استناد به مضمون و مفهوم آیات، ۴. استناد به سیاق آیات، ۵. استناد به شأن نزول آیات.

۵-۱-۳. بیان مواردی از تاریخ مبتنی بر رکن اول الگو: قرآن

بسیاری از وقایع تاریخی به تفصیل در قرآن ذکر شده‌اند. برخی عناوینی که مستقیماً از قرآن قابل استخراج هستند، بدین شرح‌اند:

۱. اوضاع فرهنگی اجتماعی عربستان هنگام بعثت پیامبر ﷺ (انعام: ۱۵۱؛ تکویر: ۸-۹)؛
۲. عقاید و تشریع احکام، مانند تقیه (نحل: ۱۰۶)، تشریع زکات و روزه (اعراف: ۱۵۶؛ مؤمنون: ۴؛ نحل: ۳؛ لقمان: ۴، فصلت: ۷؛ انبیاء: ۷۳)، جهاد (انفال: ۶۵ و ۶۶)؛
۳. موضوعات مرتبط با شخص رسول خدا، ایمان پدران حضرت (بقره: ۱۲۸؛ انعام: ۸۳-۹۰)، نبوت و ایمان حضرت قبل از بعثت (مریم: ۳۰ و ۱۲)،^۲ بشارت یهود و نصارا به ظهور حضرت (اعراف: ۱۵۷)؛
۴. بعثت و ظهور اسلام: رسالت و چگونگی نزول قرآن (قدر: ۱؛ بقره: ۱۸۵؛ فرقان: ۳۲؛ اسراء: ۱۰۶؛ مجادله: ۱)، آغاز وحی (علق: ۱ و ۲)، مراحل دعوت (شعراء: ۲۱۴)، اهداف بعثت (جمعه: ۲)؛
۵. اسراء و معراج (اسراء: ۱؛ نجم: ۶-۱۲؛ تکویر: ۲۳)؛
۶. داستان غرانیق (حج: ۵۲ و ۵۳)؛
۷. شق القمر (قمر: ۱)؛
۸. موضوعات مرتبط با یهود مدینه، مانند رجم یهودیان (مائده: ۴۱-۴۴)، پیمان‌شکنی یهود (بقره: ۹۶)؛
۹. ضرورت و شیوه هجرت و داستان غار (توبه: ۴۰)؛
۱۰. پیروزی رومیان بر ایرانیان (روم، آیات ابتدایی)؛
۱۱. وقایع مربوط به نفاق مسلمانان در مکه و مدینه و آزار و اذیت رسول خداوند ﷺ توسط آنان (نصر، آیات ۱ الی ۳). (۳)

۱. در این آیه دعای حضرت ابراهیم، یکتاپرستی ذریه‌اش می‌باشد که پدران پیامبر در امتداد آن قرار دارند.

۲. این آیات به صراحت ایمان حضرت عیسی و یحیی (علیهم‌السلام) را پیش از بعثت نشان می‌دهد. با بسط کلامی این موضوع و رجوع به روایات ذیل آن، ایمان پیامبر پیش از بعثت را نیز می‌توان به این آیات و روایاتی چون «كنت نبيا، اذا كان الادم بين الماء والطين» مستند ساخت.

۳. و دیگر آیات: بقره: ۸-۲۰، ۷۵-۷۷، ۱۴۴، ۱۹۰-۱۹۳، ۲۰۴-۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۳۱ و ۲۳۲؛ آل عمران: ۷، ۸، ۲۸، ۲۹، ۷۳، ۸۶-۹۰، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۴۴، ۱۴۹-۱۵۴، ۱۶۶-۱۶۸، ۱۷۹.

۳-۲. روایات شیعی

با توجه به تاریخ عمومی حدیث و بازخوانی منابع عامه و خاصه، کاملاً روشن است که تاریخ حدیث شیعه به برکت نقش ائمه : در احیای دین؛ از آفاتی که حدیث اهل تسنن داشته مصون مانده است. مانند: حدیث سوزی ها، ممنوعیت نقل حدیث، جعل احادیث، رواج اسرائیلیات و داستان سرایی و... احادیث شیعه بر خلاف اهل تسنن، منبع و حیانی دارد و باور منعکس شده در آن، باور و حیانی است. همچنین مجامع روایی شیعه که از گذر تاریخ و از لسان اهل بیت : به دست ما رسیده اند، از بوته آزمایش و نقد بسیار علمای رجال و فقه و کلام گذر کرده اند و قابلیت اتکای به آنها، با مجامع روایی عامه قابل قیاس نیست (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱). بنابراین تاریخ منقول از روایات شیعی، به عنوان دومین منبع تاریخ قابل اتکا و اعتماد است.

از آنجا که ائمه شیعه : از عصمت و علم غیب برخوردارند، اخبارشان از گذشته به واقع اصابت می کند و خطایی در آنها راه ندارد. همچنین از آنجا که یکی از شئون امامت، هدایت و رهبری است، بنابراین تاریخی که ایشان گزارش کرده اند، حتماً در بردارنده نکته ای هدایتی است. از سوی دیگر، این تاریخ به سبب اتصال به علم غیب الهی، متقن و یقین آور است و در حوزه منابع قطعی کلامی قرار می گیرد و سطر سطرش ارزش استخراج باورهای کلامی دارد. در نظر گرفتن این مطالب، نکته اساسی دلیل رجوع به این منبع را در الگوی تاریخ پژوهی کلامی امامیه روشن می سازد.

۱-۲-۳. دلالت و سند روایات

منظور از یقین در ناحیه دلالت، نص بودن متن در یک معناست؛ به گونه ای که احتمال دیگر منتفی باشد؛ اما به این مسئله نیز باید توجه کرد که ممکن است قرآنی موجود باشد که با ضمیمه شدن به متن، آن را از مرحله ظهور به مرتبه نص منتقل سازد. از جمله این قرائن، تکرار ظاهر است. وقتی وحی و معصوم بارها سخنی را تکرار می کنند و بر آن تأکید می ورزند، این سخنان گرچه هر یک به تنهایی در رتبه ظهورند، اما در نگاه کلی و مجموعی، احتمال خلاف را برطرف می سازند و به درجه نص می رسند (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰).

مسئله قرائن از مهم ترین مسائل اصول استنباط کلام و به تبع آن مباحث تاریخی است و یکی از وجوه تمایز آن با علم فقه به شمار می آید. اهمیت این مسئله آن است که ارتباط احکام عملی در مقایسه با ارتباط عقاید، بسیار ناچیز است (همان، ص ۵۲). استنباط یک حکم عملی، جز در مواردی اندک، کمکی به فهم حکم دیگر نمی کند؛ در حالی که مسائل اعتقادی و تاریخی آن چنان در هم تنیده اند که فهم یک گزاره غالباً به فهم دیگر مسائل یاری می رساند.

بنابراین در تحقیقات کلامی و تاریخی باید شیوه «کل‌نگری» را به کار بست و از طریق آن در هر مسئله، از مسائل دیگر یاری جست و قرائن صحت احادیث آحاد در مسئله‌ای خاص را از مجموعه اعتقادات و احادیث اعتقادی و تاریخی بازیافت (همان، ص ۵۴).

همچنین باید دانست که در فقه به دلیل تفحص و بررسی فقها در همه احادیث و جمع‌آوری آنها در جوامع حدیثی، اگر در حدیثی به چند حکم اشاره شده باشد، یا احادیث یک باب، در استنباط ابواب دیگر مؤثر باشند، این نکات در جوامع حدیثی و فقهی بیان شده است و بدین‌سان، فقیه در بررسی مسئله‌ای خاص با مراجعه به همان باب خاص، معمولاً دلایل موجود در آن مسئله را می‌یابد؛ اما در کلام و تاریخ وضع به‌گونه‌ای دیگر است؛ زیرا این متون در ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی اجتهادی قرار نگرفته‌اند و احادیث مربوط به این مسائل به طور تخصصی و تفصیلی گردآوری و سامان نیافته‌اند. نتیجه‌ای که از این بخش از سخن می‌توان گرفت آن است که اگر بتوان در فقه عملی، «تجزی در اجتهاد» را پذیرفت، در کلام و فروع اعتقادی و توصیفی، دست‌کم در شرایط کنونی، نمی‌توان قائل به تجزی شد. بنابراین پیش از استناد یک گزاره کلامی به دین، بایسته است که دست‌کم به دیدگاهی کلی و روشن درباره عقاید دینی دست‌یابیم (برنجکار، ۱۳۸۹، مقاله ۹).

گاه گفته می‌شود که روایات اهل بیت : به شهادت علم رجال، جز در روایات متواتره و مستفیضه، ظنی السند هستند. برای بررسی این مدعا باید توجه کرد که مراد از یقین در ناحیه سند، این است که صدور سخن از خدا یا معصوم (علیه السلام) قطعی است. دلیل چنین قطعی، یا تواتر لفظی متون، یا تواتر معنوی و یا وجود قرائن قطعی است.

باید بدانیم که بحث «حجیت خبر واحد» چندان‌که در مباحث فقه عملی جایگاه دارد، در اینجا حیاتی نیست؛ زیرا با توجه به پیوند بین مباحث در علم کلام و مباحث کلامی تاریخ و آنچه در بحث طبقه‌بندی متون وجود دارد (برنجکار، ۱۳۹۱، ص ۲۱)، در مجموع می‌توان گفت که در غالب موارد درباره حجیت روایات می‌توانیم به یقین برسیم؛ یعنی اگر «کل‌نگری» را اصل قرار دهیم، یک مبحث اگرچه ممکن است فقط یک یا چند روایت داشته باشد، اما می‌توان از لوازم و آثار روایات در مباحث دیگر برای آن شاهد و دلیل اقامه کرد و در نتیجه به خبر واحد محفوف به قرائن متعدد دست‌یافت که موجب حصول قطع به صدور آن خواهد شد؛ چراکه قطعیت یک خبر واحد تنها با تواتر آن ثابت نمی‌شود، بلکه می‌توان با قرائن متعدد به محتوای یک خبر واحد یقین یافت؛ یعنی همان‌گونه که وجود حدیث در کتب معتبر می‌تواند قرینه بر اعتبار باشد، وجود تأیید یا دلیل از ابواب دیگر نیز می‌تواند قرینه باشد. هر چند حجیت خبر واحد مشروط به شرایطی است، اما سخن در آن است که بدون این حجیت نیز در بسیاری موارد می‌توان به دیدگاه دینی رسید.

فارغ از اینها، با پذیرفتن آسیب‌هایی که به ضعف سندی در برخی از کتب تاریخ می‌انجامند، می‌توان راهی را برای برون‌رفت از این آسیب یافت که خلاصه آن بدین شرح است:^۱

الف) گردآوری همه اسناد مشابه یا دست‌کم حلقه‌های مشابه با حلقه‌های مشکل دارد. اسناد مشابه، زمینه را برای کاربرد قواعد علم رجال و درایه، به‌ویژه طبقات الرجال فراهم می‌آورند. از این راه می‌توان حلقه‌های مفقود در سند را پیدا کرد و با پدید آمدن اطمینان عرفی از سند، تردید درباره محتوای سند را برطرف ساخت؛

ب) یافتن طریقی دیگر برای حدیث یا در همان کتاب و یا در دیگر کتب روایی که صدور روایت از معصوم را اثبات می‌کند: گفتنی است که در این روش، عینیت در الفاظ حدیث لحاظ نمی‌شود، بلکه از احادیث هم‌محتوا نیز می‌توان بهره برد؛

ج) راه حل فقه الحدیثی، که در آن با بررسی متن و به دست آوردن اطمینان عرفی و عقلایی از مراد نهایی، به سنجش آن با قرآن و سنت و دیگر موازین مقبول پرداخته می‌شود. یافتن احادیث فراوان و هم‌مضمون، گونه‌ای تعاضد مضمونی و شهرت روایی پدید می‌آورد و آسیب سندی با تقویت مضمونی حدیث جبران می‌شود.

۲-۲-۳. شیوه حل تعارض بین ظاهر آیات با روایات^۲

همان‌طور که گفته شد، حجیت ظواهر کتاب پس از مراجعه به اخبار و تفحص از قرائن منفصل کتاب به دست می‌آید (بعد الی‌أس بعد الفحص). در رجوع به قرائن منفصل، گاهی در نگاه ابتدایی بین ظاهر قرآن و روایات تعارض دیده می‌شود. در این موارد باید به شیوه زیر عمل کرد:

۱. اگر روایت، روایتی معتبر نباشد و اصل حجیتش خدشه‌پذیر باشد، در این حالت قابلیت

معارضه با ظاهر قرآنی را ندارد؛^۳

۲. اگر روایت، روایت معتبری باشد:

الف) گاه روایت در صدد بیان مورد و مصداق آیه است و مانع از اطلاق آیه در دیگر موارد

۱. روش برون‌رفت از آسیب سندی، نتیجه دو رساله ارزشمند معصومه سلیمی و مرضیه تاکی با عنوان بن مایه‌های قرآنی بصائر الدرجات به راهنمایی سیدعلیرضا حسینی است. بنابراین در این بخش به تفصیل توضیح روش و اثبات آن پرداخته نمی‌شود.

۲. برای بررسی تفصیلی و نمونه‌ها، ر.ک: مصباح الأصول، منتقى الأصول و بحوث فی علم الأصول.

۳. از نظر ما روایات و منقولاتی که به معصوم منتهی نشود و از صحابه رسیده باشد، داخل در این قسمت است و معتبر نیست؛ ولی اگر کسی این منقولات را معتبر بداند، در این صورت باید در مراحل بعد بررسی قرار گیرد.

نیست. در این حالت مخصص و مقید ظاهر نیستند و هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد. آیه به اطلاق خود باقی است و ظاهر آن درباره تاریخی خودش مورد استناد است؛ روایت هم به اعتبار خود باقی می‌ماند؛^۱

ب) گاه روایت مراد آیه را بیان می‌کند، ولی به نظر می‌رسد که مراد ظاهری آیه نیست و تأویل و نقل باطن قرآنی است که در این صورت نیز تنافی وجود ندارد. به عبارت دیگر، این روایات در مقام تأویل آیه‌اند و اساساً هیچ‌گونه تعارضی با ظاهر ندارند و مانع از انعقاد ظهور نمی‌شوند؛

ج) گاه روایت مراد آیه را بیان می‌کند و احتمال دیگر را نیز نفی می‌کند و در صدد توضیح ظاهر آیه است. بر فرض وجود این صورت در مباحث تاریخی، در این حالت روایت و آیه باید از دو جنبه بررسی شوند:

اولاً مقدار دلالت:

- اگر قرآن نص باشد و یا ظهور قوی‌تری نسبت به روایت داشته باشد، به قرآن تمسک کرده، آن را مبنا قرار می‌دهیم و درباره روایت سخنی نمی‌گوییم و توضیح آن را به امام معصوم واگذار و فعلاً از کنارش عبور می‌کنیم؛

- اما اگر قرآن ظهور قوی نداشت و آنچه از ظاهر به‌دست آمده بود، بر پایه قرائنی بود که نزد عقلا جز احتمال و یا ظهور ضعیف چیزی به دست نمی‌آمد، در این صورت ظاهر قوی‌تر که در روایت موجود است مقدم می‌شود (مثلاً اگر ظاهر قرآنی از وحدت سیاق حاصل آمده باشد)؛^۲

اما اگر مقدار دلالت هر دو یکی بود، تقسیم‌بندی زیر مطرح می‌شود:

ثانیاً عموم و خصوص:

۱. اگر نسبت به نحو عموم و خصوص مطلق باشد، به مقتضای جمع عرفی مخصص و مقید مقدم خواهد بود؛

۲. اگر نسبت تباین باشد و هیچ‌گونه جمع عرفی ممکن نباشد، اساساً این نوع روایت قابلیت قرینیت را ندارد و عرفاً قرینه نخواهد بود و طبق احادیث فراوانی که برخی از آن

۱. پرسش: با توجه به اینکه شأن نزول آیه در مورد گروه خاصی است، آیا می‌شود از آیه در مورد دیگر استفاده کرد و به ظهور آن استناد کرد؟ مثلاً از آیه در باب مطهریت و پاک‌کنندگی آب استفاده کرد؟ پاسخ: ورود یک آیه در مورد خاص سبب نمی‌شود که آیه اختصاص به موردی پیدا کند و در جای دیگر استفاده نشود.

۲. روایاتی که از ائمه: در تخصیص و تقیید ظواهر کتاب وارد شده‌اند، همگی اقوی ظهوراً از ظاهر کتاب است.

گذشت، مخالف کتاب طرح می‌شود و از حجیت ساقط می‌گردد و هیچ‌گونه اعتباری ندارد؛

۳. اگر نسبت عموم و خصوص من وجه باشد، در ماده اجتماع به مقتضای تباین بین ظاهر قرآن و آن روایت ظاهر کتاب تقدم می‌یابد.

۲-۱-۳. شیوه جست‌وجو و دستیابی به روایات تاریخی

امروزه با الکترونیکی شدن کتب و امکان جست‌وجو میان صدها هزار کتاب، بسیار سهل شده است. با جست‌وجوی واژه‌ای گاه مطالبی میان انبوه کتب استخراج می‌شود که با مطالعه موضوعی دست‌یافتنی نیست؛ چراکه گاهی یک روایت از جنبه‌ای تاریخی و از جنبه‌ای فقهی، اخلاقی، اعتقادی، تفسیری است:

۱. **روایات تفسیری:** ذیل بسیاری از آیات، روایاتی در توضیح، تفسیر، تبیین، تأویل و شأن نزول آیات وجود دارد که عملاً گزارش‌های معتبر و قطعی تاریخی‌اند که منشأ و حیانی دارند و علاوه بر روشن ساختن جریان‌های واقع‌شده در تاریخ، پرده از بسیاری از ظرافت‌های قرآنی نیز برمی‌دارند. گاه آیه‌ای مستقیماً در جریانی نازل نشده و یا اصولاً در دسته آیات تاریخی به شمار نمی‌آید و یا جنبه تاریخی آن برای موضوع خاص دیگری است؛ ولی در جریان تاریخی دیگری نیز این آیه به مناسبتی قرائت‌شده است. در این صورت با جست‌وجوی واژه‌ای، روایت ذیل آن آیه که مبین جریان تاریخی است، استخراج می‌شود؛

۲. **روایات فقهی:** گاهی روایتی در توضیح و تبیین حکمی خاص در کتابی با رویکرد فقهی با شرح و بسط آن حکم آمده، ولی از آنجاکه مکان، زمان و دلیل توضیح آن حکم در مکان و جریانی خاص بوده، جزو روایات تاریخی نیز به شمار می‌آید؛

۳. **روایات اعتقادی:** گاه در روایتی اعتقادی، حدیث دارای قبل و بعدی است که پرده از حقیقتی تاریخی برمی‌دارد؛

۴. **روایات اخلاقی:** گاه روایتی اخلاقی در مدح یا ذم افرادی یا موضوعی بیان شده که بررسی آن موضوع و موضوع، جریانی تاریخی را شرح می‌دهد؛

۵. **کتب رجالی:** گاه در بازشناسی شخصیت‌ها در کتب رجالی، یا خود آنها در

نیز به عنوان معیار قطعی سنجش، پذیرش و یا رد اخبار و گزارش‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود، عصمت و برگزیدگی الهی رسول‌الله ﷺ و اوصیای ایشان است.^۱ غفلت و یا تغافل مورخان مکتب خلفا نسبت به این باور مسلم کلامی موجب شده تا سیمای نادرستی از رسول خدا ﷺ نمایانده شود؛ فردی ناتوان که چون کودکان عمل می‌کند و خشنودی و غضب او از روی ناتوانی و آشفتگی است. از این رو بسیاری از افراد از او داناتر و به نبوت شایسته‌ترند (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۷-۲۲). در ادامه برخی مواردی که با استناد به باور مسلم عقلی عصمت و برگزیدگی الهی ایشان، بدون بررسی سندی و روش‌های تاریخی با نگاه اول مردود هستند، به صورت فهرست‌وار ارائه می‌شوند:

۱. سهو پیغمبر در نماز (عسقلانی، ۱۳۰۰، ج ۳، ص ۷۷)؛
۲. افسانه غرانیق (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۵)؛
۳. مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر نسبت به پیامبر (واقفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۸)؛
۴. تماشای رقص سیاهان در مسجد که بر پایه برخی روایات مکتب خلفا، در حالی بوده است که عایشه گونه‌اش را بر گونه حضرت قرار داده و هر دو نظاره‌گر رقص آنان بوده‌اند (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۵۸۰)؛
۵. مسابقه دوی پیامبر با عایشه، که سپاه را رها کرد و به سوی عایشه دوید (کاتب واقفی (۱۳۸۸ش)، ج ۲، ص ۴۳۲)؛
۶. کشف عورت حضرت که برای حمل سنگ، لباسش را بیرون آورد (بخاری، ج ۲، ص ۲۰۳)؛
۷. آوازخوانی زنان مدینه و گوش فرادادن حضرت به آنان هنگام استقبال از او ابتدای هجرت (حلبی شافعی، ۱۳۲۰، ج ۲، ص ۶۲)؛
۸. نزول آیه ۶۷ سوره انفال در موافقت با دیدگاه عمر بن خطاب و مخالفت با رسول خدا ﷺ درباره اسرای بدر (طبری، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۶۹).

نتیجه‌گیری

«الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه»، الگویی است که با دستیابی به منابع اصیل و وحیانی، تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان را به حداقل می‌رساند و بازتاب‌دهنده باورهای وحیانی است. با ارائه الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول

۱. برای آگاهی از اثبات این مدعای عقلی ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰.

۳-۳. منابع تاریخی

یکی دیگر از مؤلفه‌ها و ارکان تاریخ‌پژوهی شیعی، منابع تاریخی موجودند که لزوماً دارای منبع و حیانی نیستند. گاهی برای کشف معانی و مفاهیم تاریخی قرآن، همچنان نیازمندیم که در عرض و نه در طول، آن‌هم با بررسی و تحلیل و رعایت ضوابط پژوهش، به گزارش‌های تاریخی رجوع کنیم. میراث بزرگ تاریخی مسلمانان، نشان‌دهنده وجود انگیزه‌ها و خاستگاه‌های نیرومندی میان آنان برای بارور ساختن دانش تاریخ است. بر پایه آنچه از اسامی کتاب‌ها و نوشته‌های تاریخی به دست می‌آید، می‌توان نوشته‌های تاریخی مسلمانان را به چند گروه تقسیم کرد: معیار در تعیین گونه‌ها، روش تاریخ‌نگاری، موضوع تاریخ‌نگاری، گستره و هدف (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۱۷-۴۵)؛ اما به صورت کلی منابع تاریخی به دو دسته شیعی و عامه تقسیم می‌شوند.

۱-۳-۳. منابع تاریخی شیعی

شیعیان به موازات دیگر مسلمانان کار خود را در تدوین دانش‌های اسلامی آغاز کردند. یکی از این دانش‌ها، دانش تاریخ بود. در کنار جنبش تاریخ‌نگاری عراق، شیعه نیز فعالیت خود را آغاز و در آن جنبش مساهمت و همکاری کرد. موضوعات گونه‌گون سیره نبوی و نیز تاریخ تحولات عراق از موضوعاتی بود که شیعیان کاملاً به آنها علاقه‌مند بودند و به‌هیچ‌روی خود را جدا از آن تحولات نمی‌دیدند. طبیعی بود که در آن میان، حرکت‌ها و جنبش‌های شیعی یا متمایل به تشیع و یا حتی مخالف دولت اموی برای آنها - گاه از سیره نبوی نیز - مهم‌تر بود؛ زیرا آنان شاهد بودند که به‌هرروی سیره نبوی نگارش می‌یابد و دیگران هم به آن توجه دارند؛ اما اخبار علویان و جنبش‌های شیعی از میان می‌رود و یا به‌صراحت تحریف می‌شود. دیگر تحولات، نظیر بحث از تاریخ خلفا نمی‌توانست توجه شیعیان را به خود جلب کند. دلیل آن نیز این بود که شیعه پیوندی میان تاریخ خود و تاریخ آنها نمی‌دید و طبعاً جز از زاویه منفی به آن نمی‌نگریست.

بیش از صد منبع تاریخی شیعی در شش گروه «آثار شیعی در سیره نبوی در قرون نخست»، «کتاب‌های دلایل از قرن چهارم تا ششم»، «کتاب‌های کلامی - تاریخی»، «کتاب‌های حدیثی - تاریخی»، «کتاب‌های رجالی - تاریخی»، «تواریخ دوازده امام: از قرن پنجم تا هفتم» نگاشته شده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۳، مقدمه). برخی از این کتب امروزه به صورت مدون چاپ شده‌اند و برخی دیگر، اصلشان از بین رفته اما گزاره‌های ارزشمندشان در میان دیگر منابع غنی شیعه به چشم می‌خورد که با نام کتاب یا راویان یا محتوا از میان دیگر کتب کاملاً قابل دستیابی و بازایی‌اند.

برخی دیگر از این کتب نیز به کلی از بین رفته‌اند و صرفاً گزارشی از نگارش آنها در قدیم‌الایام در دسترس است.

۲-۳-۳. منابع تاریخی عامه

تا بدینجا روشن شد که:

اولاً به دلایل پیش گفته، منابع تاریخی عامه بدون بررسی علمی اعتبار چندانی ندارند و نمی‌توانند به عنوان منبع معتبر معرفی و استفاده شوند؛

ثانیاً با توجه به غنای منابع معتبر امامیه در مباحث تاریخی (از قرآن و سنت) و منابع تاریخی شیعه، لزوماً نیازی ضروری و همه‌جانبه به استفاده اثباتی از منابع عامه نیست؛ اما می‌توان از آنها به صورت احتجاجی بهره‌های فراوان برد. همچنین ممکن است گاهی در برخی موارد برای پر کردن خلأهای موجود در الگوی تاریخی شیعی و کشف معانی و مفاهیم تاریخی قرآنی بتوان با شرایطی و با در نظر گرفتن ضوابط و ظرایفی به منابع عامه رجوع کرد.

شرایط و ضوابط بهره‌گیری از منابع عامه در الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی، به شرح زیر است:

۱. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با قرآن کریم؛
۲. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با روایات و منابع معتبر امامیه؛
۳. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با اصول کلامی امامیه، مانند عصمت رسول خدا ﷺ و افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛
۴. دانش‌افزایی هدایتی گزارش‌های تاریخی عامه.

با توجه به آنچه در «تحلیل گفتمان انتقادی» گفته شد، فرهنگ و باورها به هیچ وجه امری خنثی و بی‌طرف نیستند؛ زیرا قرار است منافع گروهی را به ضرر گروه دیگری تأمین کنند. هر گروهی در تلاش است که نظام‌های معنایی خاصی را ایجاد کند. به عبارت دیگر، از طریق خلق نظام‌های معنایی، معمولاً گروهی را بی‌اعتبار جلوه می‌دهند و گروهی دیگر را معتبر؛ عده‌ای را به حاشیه می‌رانند و عده‌ای دیگر را در مرکز متن قرار می‌دهند (بهرامپور، ۱۳۷۹: مقدمه)؛ اما با دقت در واژگان به‌کاررفته در تاریخ منقول میان منابع تاریخی متداول و تکرار آنها عملاً می‌توان از گفتمان غالب رمزگشایی کرد و به تاریخ قطعی دست یافت و اصالت تاریخی باور امامتی را از میان نخستین ادوار به اثبات رساند که این خود مبین باورهای امامتی شیعی است.

بنابراین با استفاده از رمزگشایی منابع متداول عامه، می‌توان کمک شایانی کرد تا حقایق و آموزه‌هایی که از ابتدا در ساختار اندیشه و عقیده‌ها تعبیه و دچار دگرگونی زبانی شده‌اند کشف و به

عنوان شواهدی در نگاره‌های عامه برای احتجاج استخراج شوند.^۱

۳-۴. اصول کلامی امامیه

پیش از ورود به بحث، برای آنکه مراد از باورهای مسلم و اصول کلامی روشن شود، مقدمه زیر ضروری به نظر می‌رسد. در بحث منابع علم کلام، اختلافی میان متکلمان امامیه در اصل حجیت «عقل» و «وحي» نیست. با نگاهی کلی می‌توان منابع علم کلام را در امامیه، میان دو دسته «عقل و نقل» جای داد که منظور از نقل، همان قرآن و احادیث است (برنجکار، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹). از آنجاکه در الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی، دورکن از چهار رکن، قرآن و روایات هستند، عملاً بازگشت منابع نقلی علم کلام، به دورکن اول است. از این رو مؤلفه و رکن چهارم الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی که اصول کلامی امامیه است، در واقع منبع دوم علم کلام یعنی «عقل» است. بنابراین باورهای مسلم کلامی که در این الگو از آنها سخن به میان می‌آید، باورهای برخاسته از عقل‌اند.

سیره نبوی صرفاً تاریخ نیست تا در بررسی و پذیرش یارد آن فقط معیارهای تاریخی و روش‌های بررسی اسناد و مدارک تاریخی مورد ملاحظه پژوهشگر باشد، بلکه یک منبع معرفت‌شناختی است که همه تعالیم، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی از آن قابل استخراج‌اند (عاملی، ۱۴۲۶، مقدمه). به همین سبب علاوه بر پژوهش در اسناد و روایات تاریخی، باید از باورهای مسلم کلامی (برخاسته از عقل) بهره برد. در تعارض باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی متداول، باورهای قطعی که حکایتگر حقایق ثابت و مبتنی بر عقل هستند، بر اخبار و گزارش‌های تاریخی ترجیح دارند.

استفاده از اصول کلامی در الگوی تاریخ‌پژوهی امامیه، استفاده رفت و برگشتی است. به دیگر سخن باورهای مسلم کلامی برخاسته از عقل، سنگ محکی برای ارزیابی گزارش‌های تاریخی‌اند. از سوی دیگر گزارش‌های تاریخی یقینی بر اساس ارزیابی صورت‌پذیرفته، وارد منظومه منابع کلامی می‌شوند و خود به باور مسلم کلامی مبدل می‌گردند. این باورهای برخاسته از تاریخ قطعی به‌خودی‌خود ملاک ارزیابی دیگر منابع و نقلیات خواهند بود. در الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی امامیه به این‌گونه بهره‌گیری و دخالت باورهای کلامی، دخالت و استفاده‌ای دوسویه و دخالت و بهره‌گیری رفت و برگشتی گفته می‌شود.

یکی از باورهای مسلم کلامی برخاسته از عقل که در تشخیص بسیاری از اشتباهات تاریخی و

۱. برای آگاهی بیشتر از نمونه‌های رمزگشایی، ر.ک: سیدعبدالحمید، ابطی (۱۳۹۴). «تبیین تاریخی در مورد باور شیعیان به علم الهی امامان و آگاهی ایشان به مغیبات» دانشگاه پیام نور.

نیز به عنوان معیار قطعی سنجش، پذیرش و یا رد اخبار و گزارش‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود، عصمت و برگزیدگی الهی رسول‌الله ﷺ و اوصیای ایشان است.^۱ غفلت و یا تغافل مورخان مکتب خلفا نسبت به این باور مسلم کلامی موجب شده تا سیمای نادرستی از رسول خدا ﷺ نمایانده شود؛ فردی ناتوان که چون کودکان عمل می‌کند و خشنودی و غضب او از روی ناتوانی و آشفتگی است. از این رو بسیاری از افراد از او داناتر و به نبوت شایسته‌ترند (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۷-۲۲). در ادامه برخی مواردی که با استناد به باور مسلم عقلی عصمت و برگزیدگی الهی ایشان، بدون بررسی سندی و روش‌های تاریخی با نگاه اول مردود هستند، به صورت فهرست‌وار ارائه می‌شوند:

۱. سهو پیغمبر در نماز (عسقلانی، ۱۳۰۰، ج ۳، ص ۷۷)؛
۲. افسانه غرانیق (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۵)؛
۳. مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر نسبت به پیامبر (واقفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۸)؛
۴. تماشای رقص سیاهان در مسجد که بر پایه برخی روایات مکتب خلفا، در حالی بوده است که عایشه گونه‌اش را بر گونه حضرت قرار داده و هر دو نظاره‌گر رقص آنان بوده‌اند (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۵۸۰)؛
۵. مسابقه دوی پیامبر با عایشه، که سپاه را رها کرد و به سوی عایشه دوید (کاتب واقفی (۱۳۸۸ش)، ج ۲، ص ۴۳۲)؛
۶. کشف عورت حضرت که برای حمل سنگ، لباسش را بیرون آورد (بخاری، ج ۲، ص ۲۰۳)؛
۷. آوازخوانی زنان مدینه و گوش فرادادن حضرت به آنان هنگام استقبال از او ابتدای هجرت (حلبی شافعی، ۱۳۲۰، ج ۲، ص ۶۲)؛
۸. نزول آیه ۶۷ سوره انفال در موافقت با دیدگاه عمر بن خطاب و مخالفت با رسول خدا ﷺ درباره اسرای بدر (طبری، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۶۹).

نتیجه‌گیری

«الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه»، الگویی است که با دستیابی به منابع اصیل و وحیانی، تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان را به حداقل می‌رساند و بازتاب‌دهنده باورهای وحیانی است. با ارائه الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول

۱. برای آگاهی از اثبات این مدعای عقلی ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰.

کلامی امامیه، می‌توان گزارش‌های قطعی تاریخی ارائه کرد که به‌خودی‌خود باورساز باشند و برای باورهای برخاسته از آیات و روایات شواهد تاریخی ارائه کرد و آنها را تبیین نمود و همچنین با در دست داشتن تاریخ قطعی به پاسخ‌گویی بسیاری از شبهات کلامی مبتنی بر تاریخی پرداخت.

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابطحی، سید عبد الحمید (۱۳۹۴). تبیین تاریخی در مورد باور شیعیان به علم الهی امامان و آگاهی ایشان به مغیبات. رساله دکتری. دانشگاه پیام نور.
۴. برنجکار، رضا (۱۳۹۱). روش شناسی علم کلام. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث.
۵. برنجکار، رضا (۱۳۷۴). معرفت فطری خدا. تهران: مؤسسه نبأ.
۶. ابن هشام، عبد الملک بن هشام (۱۳۷۵). السيرة النبویه. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. قم: کتابچی.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۳۱۳ق). المسند. مصر: بیروت: دار صادر.
۸. ابو زهره، محمد (بی تا). تاریخ المذاهب الاسلامیه. قاهره: دارالفکر العربی.
۹. انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۲). فرائد الاصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح البخاری. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۱۲. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر (۱۳۷۱). المقاصد و شرح المقاصد. تحقیق دکتر عبدالرحمن عمیره. قم: انتشارات شریف رضی.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). صحیح ترمذی. تحقیق احمد محمد شاکر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. تیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم - قم.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۷۳). حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام ج ۱ و ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران.
۱۶. حلبی شافعی، ابوالفرج (۱۳۲۰ق). السیره الحلبيه، بی جا.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۸. _____ (بی تا)، مصباح الاصول، تقریر السید محمد الواعظ الحسینی، قم: منشورات مکتبه الداوری.
۱۹. روشن بین، ایمان (۱۳۹۰). تأثیر باورهای کلامی ابن هشام بر تألیف السیره النبویه. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۰. سلیمی، معصومه (۱۳۹۲). بن مایه های قرآنی بصائر الدرجات. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الامم والملوک. قاهره: دارالمعارف.
۲۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). الصحیح من سیره النبی الأعظم. قم: دار الحدیث.
۲۴. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، غرر الحکم،
۲۵. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۳۰۰). فتح الباری. بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الاختصاص. تصحیح غفاری. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). اوائل المقالات. بیروت: دارالمفید.